

# ۱. بازار

خدیجه که در ناحیه‌ای در اطراف جاکار تا موسوم به سایلین گنگ زندگی می‌کند، چهار زانو کف اتاقک حلبی و کم نور خود می‌نشیند و در حالی که سعی دارد پریشانی‌اش را مخفی کند، تلاشش را برای یافتن کار شرح می‌دهد. بیوه زن چهل و سه ساله، با اشاره به کارخانه کره‌ای و مرکز تجاری آلمانی در نزدیکی محل سکونتش، غرولندکنان می‌گوید «آنها می‌گویند من خیلی پیر هستم». مدیر هر دو مؤسسه تقاضای کار او را رد کرده‌اند.

تقاضا روبه‌رو شد. در نتیجه این تورم افسار گسیخته خدیجه مجبور است نسبت به قبل از بحران، هزینه بیشتری صرف غذا و نگهداری تنها دخترش در مدرسه کند بهای مایحتاج روزانه مانند برنج، شکر، روغن، و نفت افزایش یافته و سه تا پنج برابر گران‌تر از قیمت‌های قبل از بروز بحران شده است. در سراسر جنوب شرقی آسیا، با مشاهده دورنمای حیرت‌انگیز رشد اقتصادی دهه ۷۰ و ۸۰ و اوایل این دهه،

## رفیق نیمه راه

بحران مالی آسیا میلیون‌ها نفر را به فقر و بینوایی کشانده و اعتماد به توانایی بازار را در مواجهه با مشکلات فقرا، از میان برده است. اما آیا این منطقه می‌تواند از این بحران درس‌های لازم را فراگیرد.

اعتقاد عمومی بر این بود که بازار، کلید فقرزدایی است. در واقع تا حد زیادی هم همین طور بود. اما بحران مالی، آن عقیده را سست کرد و بر ناتوانی این اقتصاد کم رفق در فقرزدایی صحنه گذشت. وزیر آموزش و پرورش و فرهنگ اندونزی در یک سمینار بین‌المللی با عنوان «اصلاحات در اندونزی» گفت «جادوی بازار شاید برای آنها که دسترسی سریع به سرمایه، اطلاعات و مهارت دارند، کارساز باشد، اما نه برای آنها که فاقد آموزش، مهارت و ارتباطات شایسته هستند». طبق ارقام مرکز آمار اندونزی، شمار افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، آنها که روزانه دست کم ۲۱۰۰ کالری مصرف دارند، تا اواخر سال ۱۹۹۸ بالغ بر ۹۵/۸ میلیون نفر یا حدود ۴۸ درصد کل جمعیت ۲۰۲ میلیون نفری اندونزی می‌شود.

در واقع این یک عقب‌گرد قابل ملاحظه است. در ۱۹۷۶ اندونزی ۵۴/۲ میلیون نفر فقیر داشت یعنی ۴۰/۱ درصد کل جمعیت. اما تا ۱۹۹۶، پس از دو دهه رشد سریع اقتصادی، چهارمین کشور پر جمعیت جهان، شمار فقرا را تا ۲۲/۵ میلیون نفر، یعنی تا حد ۱۱/۳ درصد کل جمعیت کاهش داده بود. اگر هدف بازگشت به وضع سابق باشد، احیای اقتصادی ضروری است. اگر چه آن گونه که بانک جهانی خاطر نشان می‌سازد، رشد سریع اقتصادی سال‌های قبل در اندونزی پوششی بوده بر انبوه مشکلات و مسایل دیرینه فقرزدایی از قبیل فقر مستمر، افزایش نابرابری، نقص حقوق کار و نیاز به شبکه تأمین اجتماعی. گزارش بانک جهانی می‌گوید «سیاست‌های مناسب تعدیل و توزیع ثروت تنها راه بازگشت سریع به رشد و

تلاش بی‌حاصل خدیجه از اکتبر سال قبل آغاز شد، آن گاه که پس از بیست و چهار سال کار خود را از دست داد. او آبدارچی یک مؤسسه تولیدی لوازم یدکی اتومبیل بود. به دنبال بحران مالی آسیا که از دو سال قبل آغاز شد و سراسر منطقه را فراگرفت، این مؤسسه با کاهش ناگهانی

تساراج اموال چینی‌های مقیم جاکار تا، اندونزی، مه ۱۹۹۸.





ثبات در اقتصاد کلان و بازدارنده کاهش درآمد فقر است.» مانند بسیاری از قسمت‌های دیگر آسیا، خانواده‌های اندونزیایی برای مقابله با فقر حاصل از بی‌کاری، ناتوانی، و سالمندی، در درجه نخست بر اندوخته‌های شخصی و بر خویشاوندان و آشنایان و روابط اجتماعی متکی هستند. اما صدمات ناشی از بحران‌های مالی، عمیق‌تر از توان حمایت‌کنندگان است. مثلاً در دسامبر گذشته، خدیجه ۱/۵ میلیون روپیه‌ای را که هنگام بازخرید دریافت کرده بود به دایر کردن یک اغذیه فروشی کوچک مقابل خانه‌اش اختصاص داد. برادرزاده‌اش هم با پرداخت نیم میلیون روپیه برای خرید وسایل ابتدایی کار، مشارکت کرد، اما در پایان هر ماه آن دو می‌توانند مبلغی ناچیز برابر صدوپنجاه هزار روپیه یعنی کمتر از بیست دلار با نرخ جدید تبدیل، به خانه برند. باید گفت که همه این مختصر امکانات را هم ندارند، در نتیجه بدترین تنش‌های خشونت بار اجتماعی در این سال‌ها رخ داده است.

### گرسنگی انگیزه جنایت

در تنش‌های دینی و قومی، شهرها و دهات اندونزی دستخوش شورش و چپاول شده و سربازان فاقد انگیزه هم فقط نظاره‌گر بوده‌اند. یکی از بدترین شورش‌ها در چهاردهم تا شانزدهم مه ۱۹۹۸ در جاکارتا روی داد، که هزاران چپاولگر دیوانه‌وار به اموال چینی‌ها، که آوازه موفقیت اقتصادی‌شان در این کشور پیچیده بود، حمله کردند. بیش از هزار و دو سرت نفر و اغلب در آتش‌سوزی فروشگاه‌های بزرگ، کشته شدند و به بسیاری از زنان اندونزیایی چینی تبار بی‌حرمتی شد. حتی اگر آشوبی هم نباشد، چپاول و غارت به یک معضل بزرگ تبدیل شده است. در طول بزرگراه اصلی که جاکارتا را به سورابایا، دومین شهر پرجمعیت اندونزی متصل می‌کند، راهزنان به راحتی رانندگان را متوقف می‌کنند و کامیون حامل مواد غذایی را به سرقت می‌برند. از وقتی بحران در گرفت، برخلاف کاهش ارزش پول رایج اندونزی، قیمت مواد غذایی افزایش یافت و موجب تحول شگرفی در تجارت داخلی به نفع کشاورزان شد، چون تولیدکنندگان روغن نخل و قهوه از افزایش ناگهانی قیمت‌های جهانی آن محصولات سود بردند. بانک جهانی می‌گوید در سال گذشته مصرف روستایی ده درصد افزایش داشته است.

کوکمان سوتریسنو، جامعه شناس روستایی از دانشگاه گاجامادا می‌گوید: «نیروی محرکه این جنایت گرسنگی است. افراد خشمگین و گرسنه فرصت خوبی برای شرارت یافته‌اند.» برای مقابله با بحران، دولت مایحتاج روزانه مانند برنج، شکر، روغن خوراکی را ارزان و یا حتی رایگان در اختیار مردم گذاشته و نهادهای نیکوکاری هم بسته‌های غذایی ارزان قیمت میان کارگران تهیدست و افراد بی‌کار توزیع کرده است. اما بسیاری از تحلیل‌گران می‌گویند این اقدامات کافی نیست. طبق توصیه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و بانک توسعه آسیا که در خلال بحران اندونزی منابع کلیدی تأمین مالی جاکارتا هستند، دولت ۲/۴ میلیون دلار برای اجرای برنامه شبکه تأمین سلامت و بهداشت در سال مالی ۹۸/۹۹ اختصاص داده است. این برنامه شامل یارانه غذا برای فقرا، خدمات بهداشتی و یارانه‌های دارویی، کمک مالی به مدارس و صندوق‌های

امور اجتماعی به منظور افزایش استخدام می‌شود. باید گفت اجرای این برنامه که اوایل سال قبل ارائه شد بسیار مشکل است. بنا به گفته ماری محمد، مسئول گروه نظارت و بررسی برنامه، تا اوایل سال به دلیل احتیاط بیش از حد مقامات دولتی در توزیع کمک، به دلیل ترس از اختلاس یا دیگر بی‌نظمی‌ها، فقط سی درصد از منابع مالی صندوق هزینه شده است.

تا بلند که ضربه سختی از بحران مالی متحمل شد، می‌کوشد نظام تأمین اجتماعی خود را اصلاح کند. سال گذشته، کمک هزینه بی‌کاری، که نیاز مبرم بی‌کاران است، از شش ماه به ده ماه افزایش یافت. هم چنین دولت برنامه‌ای را برای مراقبت‌های رایگان بهداشتی برای کارگران اخراجی و خانواده‌هایشان تدارک دیده است. از طرف مؤسسات مالی چند منظوره هم کمک‌هایی بیشتر به صورت کارآموزی و برنامه‌های دیگری که بیکاران را یاری رساند، در جریان است. با این حال به نظر می‌رسد چنین کوشش‌هایی به هیچ وجه کافی نباشد. کشورهای جنوب‌شرقی آسیا از این بحران چنان تضعیف شده‌اند که در این زمان که نیاز بیشتری به تأمین اجتماعی احساس می‌شود، از نظر افزایش منابع مالی صندوق‌های مددکاری اجتماعی نیز برای دولت‌ها دشوارترین زمان است. تاکنون برنامه‌های شبکه تأمین سلامت و بهداشت، در ابعاد کوتاه‌مدت، به رفع تأثیر بحران خلاصه شده تا برداشتن گام‌های بلندمدت جهت بازسازی نظام اقتصادی اجتماعی به منظور حمایت از فقرا.

آندره آس هارسانو، جاکارتا، اندونزی

### کاهش مداوم کمک به توسعه

در ۱۹۷۰ کشورهای ثروتمند جهان اعلام کردند قصد دارند حداقل ۰/۷ درصد تولید ناخالص ملی خود را به صورت کمک رسمی به توسعه (ODA) محروم‌ترین کشورهای جهان اختصاص دهند. در سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) و در مجمع عمومی سازمان ملل متعهد شده‌اند، میزان کمک‌ها و وام‌هایشان را به کشورهای ذی‌نفع برای تسریع در توسعه اقتصادی و اجتماعی، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند.

تقریباً سی سال بعد فقط نروژ، دانمارک، سوئد و هلند به این وعده جامه عمل پوشاندند و از ۰/۷ تا یک درصد تولید ناخالص ملی خود را به این امر اختصاص دادند. به علاوه، از زمان طرح مارشال در ۱۹۴۷ تاکنون، کمک‌های رسمی به توسعه کاهش یافته به نحوی که در ۱۹۹۷ به پایین‌ترین سطح خود در پنجاه سال اخیر رسید. گزارشی که در نوامبر ۱۹۹۸ با عنوان «ارزیابی کمک - چه کار می‌کند و چه کار نمی‌کند، چرا؟» توسط بانک جهانی منتشر شد حاکی است: جریان کمک‌های رسمی به توسعه از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ به یک سوم میزان واقعی خود کاهش یافته است. در ۱۹۹۷ کمک‌های مزبور روی هم از (بیست و دو صدم درصد) تولید ناخالص ملی همه کشورهای کمک‌کننده فراتر نرفت، ایالات متحد تنها ۰/۸ درصد از تولید ناخالص ملی خود را در اختیار این برنامه قرار داده است؛ فقط کانادا و ژاپن در ۱۹۹۷ به میزان واقعی کمک‌های رسمی افزودند.

هم اکنون این کمک‌ها شامل یک چهارم جریان سرمایه کشورهای در حال توسعه شده و نابرابری عظیمی به لحاظ حجم و میزان منابع مالی برای توسعه در هر منطقه به چشم می‌خورد. بنا به گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD)، در ۱۹۹۷ کشورهای زیر منطقه صحرای آفریقا سرانه‌ای معادل بیست و هفت دلار از کمک به توسعه و سرانه‌ای معادل سه دلار از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سهم بردند. در مقابل آمریکای لاتین و منطقه کارایب سرانه‌ای معادل سیزده دلار از کمک به توسعه و سرانه‌ای معادل شصت و دو دلار از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دریافت کردند.

بانک جهانی به کشورهای کمک‌کننده توصیه می‌کند کمک‌هایشان را به کشورهای اختصاص دهند که برای نیل به مدیریت سالم (تشکیلات بی‌نقص، قانون مدار، اقتصاد آزاد و گشودن بازار) بیشترین کوشش را به عمل آورده‌اند. بانک جهانی تخمین می‌زند اگر ده میلیون دلار از کمک به توسعه را مستقیماً در اختیار کشورهایی که با کاهش کمک‌ها، غیرمنصفانه مجازات شدند، قرار می‌دادند بیست و پنج میلیون نفر از فقر نجات می‌یافتند.